

گنجینه - نکات کاربردی و مهم زبان انگلیسی به زبان ساده و خودمونی

اما زمانی که از این دو عزیز ابتدای جمله استفاده کنیم، معنیش میشه "مشخصه".
دقت کنین که این YOU ربطی به طرف مقابل نداره و داریم به صورت کلی میگی

➔ **You can guess** what happened next.

مشخصه بعدش چه اتفاقی افتاد.

➔ **You can tell** he's lying to her.

مشخصه که داره بهش دروغ میگه.

نکته 258:

اگه بخوام بگم می‌خوام که برم خونه یا می‌خوام که کمکم کنی، نمی‌تونم این (که) رو that ترجمه کنم.
چون ما هیچوقت بعد از **want** از **that** استفاده نمی‌کنیم. یعنی نباید بگم:

I want that...

توی چنین موقعیتی، از حرف اضافی **to** استفاده می‌کنم.

➔ **I want to** go home.

➔ **I want you to** help me.

نکته 259:

برای انتقاد کردن از کسی، خیلی راحت می‌تونی از الگوی زیر استفاده کنی:

You could have done something.

تو می‌تونستی فلان کار رو انجام بدی. (اما ندادی).

این **done** یعنی همون قسمت سوم فعل.

مثالها رو ببین:

➔ **You could have** helped me.

می‌تونستی به من کمک کنی. (اما نکردی).

➔ **You could have** asked him.

می‌تونستی ازش بپرسی. (اما نپرسیدی). دارم ازش انتقاد می‌کنم.

نکته 260:

یکی از نکات دوره‌ی فرزندز:

I didn't mean to bring you down.

بریم این دیالوگ ریچل توی سریال فرندز رو بررسی کنیم

یه الگوی خوشگل داریم:

I didn't mean to do something.

قصد نداشتم فلان کار رو انجام بدم.

زمانی از این الگو استفاده می‌کنیم که از انجام یه کاری پشیمونیم یا شرمندیم.
به عنوان مثال:

➔ **I didn't mean to** call you so late.

قصد نداشتم انقدر دیر بهت زنگ بزنم.

➔ **I didn't mean to** lie about what happened.

قصد نداشتم در مورد چیزی که اتفاق افتاد دروغ بگم
نکته‌ی بعدی یه فریزال ورب هست:

(to) bring someone down

یعنی کسی رو پایین آوردن؟! نه! یعنی "انرژی کسی رو پایین آوردن، حال کسی رو گرفتن".

➔ He **brought me down** last night.

اون دیشب حالمو گرفت.

می‌دونین که گذشته‌ی فعل bring میشه brought.

نکته 261:

یه الگوی کاربردی با **could**

I couldn't have done something.

کاربردش زمانی هست که بخوایم بگیم انجام فلان کار در گذشته امکان پذیر نبود حتی اگه می‌خواستیم.

➔ **I couldn't have** arrived any earlier.

مفهوم این جمله اینه که من نمی‌تونستم زودتر از این برسم، حتی اگه می‌خواستم هم امکان پذیر نبود.

➔ **He couldn't have** passed the exam.

اون نمی‌تونست امتحان رو پاس کنه.

➔ **I couldn't have** done it without you.

نمی‌تونستم بدون تو انجامش بدم.

➔ **Akbar couldn't have** lent you that money.

اکبر نمی‌تونست اون پول رو بهت قرض بده (حتی اگه می‌خواست).

نکته 262:

کاربرد **may as well** و **might as well**

توی محاوره کاربرد دارن.

وقتی بخوایم پیشنهاد بدیم که یه نفر بهتره فلان کار رو انجام بده چون دیگه کار بهتر یا مفیدتری برای انجام دادن نیست، از شون استفاده می‌کنیم.
بعنوان مثال:

➔ There's nobody to talk to. We **may as well** go home.

هیچ کسی نیست که باهاش حرف بزنینم. بهتره که بریم خونه.

➔ We **might as well** watch TV.

بهتره تلویزیون تماشا کنیم.

➔ We **may as well** go walking.

بهتره بریم پیاده‌روی.

➔ We **might as well** catch the bus to work.

بهتره با اتوبوس بریم سرکار.

دقت کنید که توی همه‌ی این مثالها، شکل ساده‌ی فعل رو آوردیم.

نکته 263:

یه زمانی هست که می‌گیم:

➔ I have my **own** car.

من ماشین خودمو دارم

حالا یه موقعی هم هست که می‌خوایم روش تأکید کنیم و بگیم این ماشینِ خودووووودِ خودمه

توی چنین حالتی از **very** قبل از **own** استفاده می‌کنیم.

➔ I have my **very own** car.

یا یه مثال دیگه:

➔ This is my **own** house.

این خونه مال خودمه.

➔ This is my **very own** house.

این خونه مال خودووودِ خودمه

نکته 264:

تفاوت حال استمراری و آینده ی قصدی

یکی از کاربردهای مهم حال استمراری، صحبت در مورد برنامه‌های شخصی خودمونه. مثلاً:

➔ I'm seeing Akbar tonight.

من امشب اکبر آقا رو می‌بینم.

احتمال کنسل شدن چنین برنامه‌هایی هم خیلی کمه.

اما زمانی که بخوایم در مورد اتفاقاتی صحبت کنیم که خارج از کنترل ما هستند، باید از آینده ی قصدی استفاده کنیم. برای مثال:

➔ It's going to rain next week.

هفته‌ی آینده قراره بارون بیاد.

بارون اومدن خارج از کنترل ماست، پس اشتباهه که از حال استمراری استفاده بشه

نکته 265:

یه نکته ی جالب در مورد really

بچه‌ها یادتون باشه توی جملات منفی، با جابجا کردن really می‌تونیم شدت جمله رو بالا و پایین ببریم، به جالان خودم!

برای مثال وقتی میگم:

➔ I don't really like her.

یعنی ازش خوشم نمیاد.

اینجا شدت جمله معمولیه، ولی اگه بگم:

➔ I really don't like her.

یعنی اصلاً ازش خوشم نمیاد، چشم دیدنش رو ندارم شدت جمله بالاست و به تنفر نزدیکه

پس حواستون باشه کجا و چجوری ازش استفاده کنید

نکته 266:

کاربرد جالب و خوشگل all

این all عزیز در انگلیسی روزمره و محاوره، می‌تونه به معنی "خیلی" باشه، یعنی مترادف very.

وقتی می‌گیم:

➔ I'm **all** better now.

یعنی الان خیلی بهترم.

➔ She's **all** happy now.

اون الان خیلی خوشحاله.

➔ I got **all** tired.

خیلی خسته شدم.

➔ I got **all** sad.

خیلی ناراحت شدم.

نکته 267:

یه اصطلاح از سریال بی نظیر فرندز داریم

(to) get one's way

یعنی اون چیزی که می‌خواه رو به دست بیاری، به خواستت برسی. بعنوان مثال:

➔ She always **gets her way**.

اون همیشه به هر چی می‌خواه میرسه. همیشه به خواسته‌اش می‌رسه.

➔ We have to let Akbar **get his way**.

مجبوریم اجازه بدیم اکبر به خواستش برسه.

حالا شاید پرسید چرا برای get، s سوم شخص نداشتیم؟! بخاطر وجود let. یعنی الگوش به این صورته:

let someone do something.

یعنی بعد از let، **شکل ساده‌ی فعل** رو میاریم.

نکته 268:

می‌خوام بگم اکبر آقا پرسید که دارم چیکار می‌کنم. اشتباه رایجی که اکثر زبان آموزها انجام میدن اینه که جمله رو به این صورت می‌گن:

Akbar asked me what I am doing.

خواستون باشه که **وقتی جمله‌ی اصلی (جمله‌ی واره‌ی اصلی)**، در حالت گذشته باشه، جمله‌ی بعدش (جمله‌ی واره‌ی وابسته) هم باید گذشته باشه.

➔ Akbar **asked** me what I **was doing**.

➔ He **asked** me where I **was going**.

نکته 269:

حواست باشه زیاد رایج نیست که از **all** به همراه اسم، به عنوان فاعلِ یک فعلِ منفی استفاده کنیم. مثلاً وقتی بخوام بگم همه ی پرنده ها نمی تونن پرواز کنن (تعداد زیادی هم هستن که قادر به پرواز کردن هستن)، رایج نیست بگیم:

All birds can't fly.

اینجور وقتا می تونیم جمله مون رو با استفاده از **Not all** بگیم. یعنی:

Not all + noun + affirmative verb ...

➔ **Not all** birds can fly.

نکته 270:

حواستون به تفاوت **Not all** و **No** باشه. وقتی میگم:

➔ **Not all** birds can fly.

مفهوم جمله اینه که کل پرنده ها نمی تونن پرواز کنن، اما خب تعداد زیادی هم هستن که قادر به پرواز کردن هستن. اما وقتی میگم:

➔ **No** birds can play chess.

یعنی هیچ پرنده ای نمی تونه شطرنج بازی کنه. بدون استثنا.

نکته 271:

یه ریزنکته داریم اینجا.

می دونین که **go to bed** یعنی "به رختخواب رفتن (برای خوابیدن)".

اما وقتی میگم **go to the bed** یعنی "به سمت رختخواب رفتن". ربطی به خوابیدن نداره. مثلاً:

➔ My mother is **going to the bed**.

مامانم داره میره سمت تخت. حواستون به این نکته ی ریز باشه.

نکته 272:

یه نکته در مورد **by**

توجه کنید که ما به همراه **the taxi, a train, my car** از **by** استفاده نمی‌کنیم، مگه اینکه تک و تنها باشن. مثلاً:

by car
by train
by taxi

در غیر اینصورت می‌تونیم بگیم:

in my car
on a train
in a taxi

مثلاً:

- ➔ I go to work **by car**.
- ➔ I go to work **in my car**.

پس اشتباهه که بگم **by my car**.

نکته 273:

گاهی توی محاوره برای تأکید روی جمله مون، اون جمله رو با یه عبارت کوتاه تموم می‌کنیم که در واقع همون فاعل و فعل جمله‌ی اصلی. برای مثال می‌گم:

- ➔ He's driving me crazy, **he is**.

داره دیوونم می‌کنه، آره داره دیوونم می‌کنه.

اینجا این **he is** داره روی جمله‌ی اصلی تأکید می‌کنه.

مثال بعدی رو ببین:

- ➔ I'm getting tired, **I am**.

دارم خسته میشم، آره دارم خسته میشم.

حالا ممکنه گاهی توی جمله، فعل کمکی نداشته باشیم. اینجور وقتا با توجه به زمان جمله از فعل کمکی مناسب (**do/does/did**) استفاده می‌کنیم.

- ➔ He likes his coffee, **he does**.

اون قهوه‌شو دوس داره، آره دوس داره.

درواقع این عبارتهای کوتاه، به اون **tag question** ها خیلی شباهت دارن ولی دیگه حالت سؤالی ندارن